

تأثیرپذیری برخی ضرب‌المثل‌های فارسی از مفاهیم قرآنی

معصومه یزدی*

در همه زبان‌ها، مجموعه سخنان کوتاه و حکمت‌آموزی هست که آنها را ضرب‌المثل می‌گویند. این ضرب‌المثل‌ها بیشتر حاصل تجربیات اعصار و قرون متوالی یک قوم و یا الهامات و اشراقات شاعران بزرگ آنهاست که غالباً در قالب شعر و یا نثر در آن قوم متبلور شده است. در فرهنگ مردم ایران، مجموعه غنی و مفصلی از این‌گونه کلمات کوتاه وجود دارد که از منابع شعری، قصه‌ها، افسانه‌ها و روایات و حکایات فرهنگ عامه اخذ شده است. در میان این جملات و کلمات، به امثالی برمی‌خوریم که سرچشمه از کتاب آسمانی ما، یعنی قرآن دارند. مانند «الحمد لله» و «استغفرالله» که در دو بیت زیر از حافظ آمده است:

عیشم مدام است از لعل دلخواه
کارم به کار است الحمد لله
از قول زاهد کردیم توبه
وز فعل عابد، استغفرالله

این‌گونه امثال قرآنی هر چند مستقیماً از قرآن گرفته شده، اما اغلب به آن مفاهیم و معانی قرآنی وفادار نمانده، بلکه آب و رنگ فارسی به خود گرفته و حتی گاه درست برخلاف آن معنی اصلی قرآنی، به کار گرفته شده است. در این گفتار به طور اختصار، به بارزترین نمونه از ضرب‌المثل‌هایی که برگرفته و یا متأثر از قرآن می‌باشند، اشاره می‌نماییم.

آب آبادانی است.
و من الماء كل شيءٍ حي. و از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم. (سوره انبیاء، آیه ۳۱)
- آدمی را از مرگ چاره نیست.

کل من علیها فان. هر که روی زمین است، دستخوش مرگ و فناست. (سوره الرحمن، آیه ۲۶)
آنچه گویند شاعران نکنند.

اقتباس از قرآن کریم آیه شریفه: والشعراء يتبعهم الغاوان. و شاعران را مردم جاهل و گمراه پیروی کنند. (سوره شعراء، آیه ۲۲۴)

* کارشناس ارشد ادبیات

و همچنین این آیه: و انهم یقولون ما لا یفعلون. و آنها بسیار سخنان می‌گویند که یکی را عمل نمی‌کنند. (سوره شعراء، آیه ۲۲۶) - آن قدر بار کن که بکشد نه آن قدر که بکشد.

لا یكلف الله نفساً الا وسعها. خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی. (سوره بقره، آیه ۲۸۶) کل اگر طیب بودی، سر خود دوا نمودی.

اتامرون الناس بالبر و تسنون انفسکم. چگونه شما که مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید، خود فراموش می‌کنید. (سوره بقره، آیه ۴۱)

همچنین در ادبیات ما موارد مشابهی در این رابطه وجود دارد. حافظ می‌فرماید:

واعظان کین جلوه در محراب و منبر می‌کنند
چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

همچنین است: اگر لالایی می‌دانی چرا خوابت نمی‌برد. خود را فضیحت، دیگران را نصیحت. کور خود مباش و بینای مردم. من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش.

لا تجزی نفس عن نفس شیئاً. هیچ جزا داده نمی‌شود شخصی به جای شخص دیگر. (سوره بقره، آیه ۴۵) همچنین امثال دیگری نظیر: هر کسی را در گور خودش می‌گذارند، در این رابطه مصداق دارد.

از پی هر گریه آخر خنده‌ای است.

فان مع العسر یسراً. پس به درستی که با دشواری، آسانی است. به درستی که با دشواری آسانی است. (سوره لیل، آیه‌های ۵ و ۶) همچنین می‌گویند:

خدا گر ز حکمت ببند دری
ز رحمت گشاید در دیگری

هر پستی، بلندی دارد. هر نشیبی را فرازی است. هر سربالایی، یک سرپایینی دارد. از ماست که بر ماست.

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند. (سوره رعد، آیه ۱۱)

از مکافات عمل غافل مشو.

فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره و من یعمل مثقال ذره شراً یره. و هر کس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده، (پاداش) آن را خواهد دید و هر کس به قدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش خواهد رسید. (سوره نساء، آیه ۱۱۱)

همچنین در سایر ضرب‌المثل‌ها و کنایات از جمله: هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت (سعدی)، هر چه عوض دارد گله ندارد، هر چه کنی به خود کنی - و هر همه نیک و بد کنی.

کم بخور و همیشه بخور.

و لا تسرفوا انه لا يحب المسرقين. و اسراف مکنید، خدا مسرفان را دوست ندارد. (سوره انعام، آیه ۱۴۲)
همچنین: یک سال بخور نان و تره، هر سال بخور مرغ و بره.

هر چه پیش آید خوش آید. (الخیر فی مآقع)

عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئاً و هو شر لکم و الله يعلم و انتم لا تعلمون. شاید بر شما ناگوار و مکروه است، لیکن چه بسیار شود که چیزی را شما ناگوار شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده و چه بسیار شود که دوستدار چیزی هستید و در واقع شر و فساد شما در آن است و خداوند به مصالح امور داناست و شما نادانید. (سوره بقره، آیه ۲۱۳)
ایراد بنی اسرائیلی گرفتن.

خرده‌گیری‌های بسیار و نابجا. گویا مراد مثل اشاره به اعتراض‌هایی است که در امر مانده قوم بنی اسرائیل به موسی (ع) و پس از آن به حضرت عیسی (ع) می‌کرده‌اند. آنجا که قرآن می‌فرماید: و اذ قلتم یا موسی لن نصبر علی طعام واحد فادع لنا ربک یاخرب لنا مما تنبت الارض من بقلها و قثائها و فومها و عدسها و بصلها. و یاد آرید وقتی را که به موسی اعتراض کردید که به یک نوع طعام صبر نخواهیم کرد، بخواه از خدای خود که بیرون بیاورد از برای ما نباتاتی که از زمین برمی‌آید. مانند: خیار و سیر و عدس و پیاز. (سوره بقره، آیه ۵۸)

به جرم عیسی موسی را مگیر.

کل نفس الا علیها لا تزروا زره و زر آخری. هیچ نفسی بار دیگری را بر دوش نگیرد. (سوره انعام، آیه ۱۶۴)

همچنین در ادبیات ما این مضمون به صور دیگر نیز آمده است، از جمله:

گنه کرد در بلخ آهنگری
به شوشتر زدند گردن مسگری

بلبلان خاموش و خر در عرعراست.

ان انکر الاصوات لصوت الحمیر. همانا زشت‌ترین صداها، صوت الاغ است. (سوره لقمان، آیه ۱۸)

همچنین می‌گویند: حیف از بابات که مرد تا آواز ترا بشنود.

خدا از رگ گردن به آدم نزدیک‌تر است.

نحن اقرب الیه من حبل الوریث. ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم. (سوره ق، آیه ۱۵)

خسر الدنیا و الاخره.

اقتباس از آیه شریفه: خسر الدنیا و الاخره ذلک هو الخسران المبین. در دنیا و آخرت زیانکار است و زیانش بر همه کس آشکار است.

(سوره حج، آیه ۱۱)

همچنین گویند: مثل گدای جهودهاست. نه دنیا دارد و نه آخرت. چوب دو سر نجس. هم از شوربای قم مانده هم از حلیم

کاشان. از آنجا مانده از اینجا رانده.

دست بالای دست بسیار است.

فوق کل ذی علم علیم. فوق هر دانشمندی، دانشمندتری وجود دارد. (سوره یوسف، آیه ۷۶)

سیب را وقتی به هوا بیندازی تا به زمین بیاید چندین چرخ می‌زند.

لعل الله يحدث بعد ذلك امراً. شاید که خدا بعد از آن امری را پدید آورد. (سوره طلاق، قسمت آخر آیه ۱)

شتر از سوراخ سوزن برآمدن.

حتى يلج الجمل في سم الخياط. بدان ماند که شتر از چشمه سوزن درآید. (سوره اعراف، آیه ۴۰)

عیسی به دین خود موسی به دین خود.

لا اكره في الدين. هیچ اکراهی در دین نیست. (سوره بقره، آیه ۲۱۲)

لكم دينكم ولي الدين. دین شما برای شما و دین من برای من. (سوره کافرون، آیه ۶)

از تو حرکت از خدا برکت.

و هُزِي اليك بجذع النخلة تساقط عليك رطباً جنياً. ای مریم شاخ درخت خرما را حرکت ده، ما از آن برای تو رطب تازه فرو ریزیم.

(سوره مریم، آیه ۲۵)

منابع:

- قرآن کریم

- لغت‌نامه و امثال و حکم دهخدا

- شاملو، احمد. کتاب کوچه. تهران: مازیار، ۱۳۷۷.

- اسناد فرهنگ مردم رادیو

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی